

بررسی تأثیر رشد جمعیت بر مهاجرت و وضعیت مسکن

مجری:

مرجان دامن کشیده

همکاران:

فاطمه زندی

فریده باقری

پیش‌گفتار

موقعیت کنونی کشور ایران که فرایند گذار تاریخی خود را می‌گذارند، سبب رشد بی‌رویه جمعیت و شکل‌گیری پدیده‌ی مهاجرت روستا به شهر شده است.

فقدان منابع کافی، ضعف مدیریت اقتصادی، نارسایی‌هایی در زیر ساخت‌های اقتصادی کشور از جمله بخش مسکن به وجود آورده است.

از آنجایی که در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، جمعیت به عنوان محور و هدف توسعه، از ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد و اطلاعات به تفصیل گردآوری می‌شود، لذا از منابع غنی در شناخت ویژگی‌های جمعیتی کشور از جمله جمعیت مهاجر روستا به شهر و تأثیر آن بر مؤلفه‌هایی مانند وضعیت مسکن محسوب می‌شوند.

در این گزارش به بررسی اثرات رشد جمعیت بر مهاجرت و وضعیت مسکن پرداخته شده است. گزارش حاضر با همکاری خانم‌ها مرجان دامن‌کشیده (مجری طرح)، فاطمه زندی و فریده باقری همکاران اصلی طرح تهیه شده است. امید است اطلاعات ارائه شده در بررسی حاضر بتواند سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را جهت برنامه‌ریزی در این زمینه یاری دهد.

پژوهشکده آمار

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات.....	۳
بیان مسئله.....	۳
اهمیت و ضرورت.....	۴
سؤال‌های تحقیق.....	۵
تعاریف و مفاهیم.....	۵
فصل دوم: پیشینه نظری و تجربی.....	۱۱
فصل سوم: جمعیت و مهاجرت.....	۳۵
۳-۱- ترکیب جمعیت.....	۳۵
۳-۲- مهاجران روستا به شهر.....	۳۶
۳-۲-۲- علت مهاجرت.....	۳۸
۳-۲-۳- سواد و تحصیلات.....	۳۹
۳-۲-۴- وضع فعالیت اقتصادی.....	۴۳
وضع فعالیت و سطح سواد.....	۴۳
۳-۲-۵- بخش‌های گروه‌های عمده فعالیت.....	۴۶
۳-۲-۶- گروه‌های عمده شغلی.....	۴۹
۳-۲-۷- وضع شغلی.....	۵۱
۳-۲-۸- وضع زناشویی.....	۵۴
۳-۲-۹- سرپرست مهاجر روستا به شهر.....	۵۶

۳-۲-۱۰- مسکن خانوارهای دارای سرپرست مهاجرت روستا به شهر.....	۵۹
فصل چهارم: جمعیت و مسکن.....	۶۵
۴-۱- نوع محل سکونت.....	۶۵
۴-۲- تراکم خانوارهای در واحد مسکونی.....	۶۷
۴-۳- تعداد اتاق در اختیار.....	۶۹
۴-۴- نحوه تصرف.....	۷۲
۴-۵- وضعیت مسکن بر اساس سرپرست مهاجر و غیر مهاجر.....	۷۴
نتیجه گیری.....	۷۸
منابع.....	۸۰

مقدمه

در سراسر جهان به خصوص پس از جنگ جهانی دوم، مهاجرت به عنوان پدیده‌ای جمعیتی از بسیاری از جهات حائز اهمیت گردیده است و نظریه‌پردازان علوم مختلف درباره علل و عوامل آن به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. در این راستا مهاجرت‌های روستا-شهری به دلیل پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آن بیش از سایر پدیده‌های جمعیتی مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه این مهاجرت‌ها در آغاز طبیعی به نظر می‌رسید اما بعد از چند دهه و به دنبال آثار و پیامدهای نامطلوب آن در کشورهای کمتر توسعه یافته، غیر منطقی و مشکل‌زا تلقی شده است. ضعف ساختارهای اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی سبب گردیده است تا روستاییان برای به دست آوردن فرصت‌های بهتر زندگی به مناطق شهری مهاجرت کنند (طاهرخانی، ۱۳۸۰، ۶۸). در طول چند دهه اخیر بسیاری از تحقیقات که بعضاً به صورت توصیفی و جدا از هم طرح شده، فرهنگ غالب نوشته‌های جمعیت‌شناسان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان گردیده و رشد رو به تزاید مطالعات مربوط به مهاجرت‌های روستا-شهری به خصوص در دهه ۶۰ پاسخی به رشد روزافزون جمعیت به ویژه رشد شهرنشینی بوده است.

کشور ایران نیز برکنار از جریان‌ها و تحولات و تکنولوژی دنیا نبوده و در بسیاری از مسایل اقتصادی و اجتماعی از جمله مهاجرت‌های روستایی ویژگی‌های مشترکی را با اکثر کشورهای در حال توسعه دنیا نشان می‌دهد. با این حال به دلیل تفاوت‌های تاریخی، قومی و فرهنگی سرزمین ایران و نیز ویژگی‌های طبیعی و انسانی هر منطقه از کشور، تفاوت‌های معنی‌داری از لحاظ شکلی و محتوایی در پدیده مهاجرت مشاهده می‌شود. از سوی دیگر رشد جمعیت و مهاجرت، سبب گردیده مسکن که یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسان و به نوعی یکی از حقوق اولیه انسان می‌باشد، از اهمیت خاصی برخوردار گردد. به عبارت دیگر اهمیت این کار بدان حد است که در مجموعه سه گانه خوراک، پوشاک و مسکن همواره به عنوان یکی از نیازهای اصلی انسان معرفی شده است. مسکن مناسب به فضا یا مکانی گفته می‌شود که بتواند زمینه لازم برای رشد فردی و

جمعیتی هر يك از افراد خانوار را فراهم كند، به نحوی كه آنها بتوانند برحسب نیازهای روحی و روانی خود و نوع فعالیت مورد نظر، حریم لازم را بیابند.

پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای تأمین نیاز مسکن شهروندان از اموری است كه بر عهده دولت‌ها نهاده شده است. به این امر در قالب طرح‌های كلان شهری به صورت بخشی و موضوعی پرداخته شده و سیاست‌گذاری‌های كلان در این سطح توسط برنامه‌ریزی شهری انجام می‌گیرد. به‌طور معمول اجرای سیاست‌های كلان مستلزم برنامه‌ریزی‌های خرد در سطوح و ابعاد مختلفی است، به‌طوری كه در انجام برنامه‌ریزی و پیش‌بینی مسكن، جمعیت و تحولات آن تأثیر بسزایی دارد. بر این اساس در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر رشد جمعیت بر مهاجرت و وضعیت مسكن پرداخته شده است.

این پژوهش شامل چهار فصل، فصل اول، کلیات، اهمیت و بیان موضوع، فصل دوم، پیشینه تجربی و نظری، فصل سوم، جمعیت و مهاجرت، فصل چهارم، جمعیت و مسكن و در آخر نتیجه‌گیری می‌باشد.

فصل اول: کلیات

بیان مسئله

مهاجرت پدیده‌ای است که همواره در میان انسان‌ها وجود داشته است ولی جریان‌های مهاجرتی از دوران بعد از انقلاب صنعتی بوده که توجه‌ها را به سوی خود جلب کرده این پدیده تا چند دهه اخیر پدیده‌ای مطلوب تلقی می‌شد، چرا که اقتصاددانان مهاجرت‌های وسیع روستاییان به شهرها را راه‌حل مناسبی برای نیروی کار اضافی و همچنین جوابگوی نیروی کار مور نیاز مناطق شهری می‌دانستند ولی آن را امروزه یکی از عوامل بیکاری به حساب می‌آورند (توادرو، ۱۳۶۷: ۶).

امروزه مهاجرت‌های داخلی پدیده‌ای است که در کشورهای در حال توسعه به شدت جریان دارد و می‌توان آن را از اثرات تبعی صنعتی شدن و پدیده شهرنشینی دانست که از قرن گذشته میلادی تاکنون روند فزاینده‌ای را در پی داشته است.

طی چند دهه اخیر رشد بی‌رویه جمعیت ایران، از عمده‌ترین معضلات کشور به شمار می‌آید و یکی از بارزترین مسائل ناشی از آن، مسائل جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و وضعیت مسکن در سطح ملی است، که این مسئله با توجه به مهاجرت‌های بی‌رویه از روستا به شهرها روز به روز حادث‌تر شده که این امر خود سبب ایجاد مسائل مالی و مشکلات متعدد و گاه غیرقابل جبرانی شده است.

اهمیت و ضرورت

پدیده مهاجرت هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، لیکن نوع و ماهیت این مهاجرت ها متفاوت است. نرخ رشد سالانه جمعیت در بیش تر کشورهای جهان سوم معادل ۲ تا ۳ درصد است و این در حالی است که نرخ رشد شهرنشینی تقریباً دو برابر این مقدار می باشد، از این رو می توان علت افزایش رشد شهرها را هجوم امواج عظیم جمعیت مهاجران بیکار روستاییان به شهرها دانست (کورا، ۱۳۸۴: ۱).

تمرکز امکانات رفاهی در شهرها و هجوم جمعیت روستائیان به این مناطق یکی از عوامل مهم گسترش بدون برنامه شهرها بوده است، طبق اطلاعات مرکز آمار ایران نرخ شهرنشینی در ایران از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

به طور کلی مهم ترین عوامل مهاجرت های بی رویه و رو به ازدیاد روستاییان به درون شهرها را می توان تمرکز یافتن فعالیت های عمده ی اقتصادی در داخل و پیرامون شهرها، وجود امکانات بیش تر شغلی در مناطق شهری، وجود امکانات رفاهی، دستیابی به سطوح درآمدی بالاتر شمرد. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی و شناخت ویژگی های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران روستا به شهر و همچنین به بررسی و شناخت برخی از ویژگی های مرتبط با وضعیت مسکن آن ها بر اساس داده های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ پرداخته است.

اهداف این بررسی به طور مشخص به شرح زیر می باشند:

- شناخت ویژگی های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مهاجران روستا به شهر در دهه ۸۵- ۱۳۷۵ (این ویژگی ها عبارتند از: ساختار سنی- جنسی، وضع فعالیت اقتصادی، وضع سواد و تحصیلات و وضع زناشویی).
- شناخت برخی ویژگی های مرتبط با مسکن خانوار نظیر نوع محل سکونت، نحوه تصرف، تراکم خانوار در واحد مسکونی، تعداد اتاق در اختیار ... در سرشماری ۱۳۸۵.

سؤال‌های تحقیق

آیا شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی برای مردان مهاجر روستا به شهر در سال ۱۳۸۵ نسبت به زنان از سطح بالاتری برخوردار می‌باشد؟

آیا ترکیب هرم سنی-جنسی مهاجران روستا به شهر رو به جوانی است؟

آیا ویژگی‌های مرتبط به مسکن خانوار که قبلاً مطرح شد در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ بهبود یافته است؟

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیل آماری نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ کل کشور می‌باشد.

در این راستا شاخص‌های متفاوتی به منظور تحلیل و بررسی وضعیت مهاجران روستا به شهر و وضعیت مسکن محاسبه شده است تا با استفاده از آن‌ها به سؤال‌های تحقیق پاسخ داده شود.

تعاریف و مفاهیم

خانوار:

خانوار معمولی: خانوار معمولی از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. در مواردی خانوار معمولی می‌تواند یک نفره باشد.

خانوار معمولی ساکن و خانوار معمولی غیر ساکن:

خانوارهای معمولی از نظر «سکونت» همگی وضع مشابهی ندارند و از این لحاظ به دو گروه «خانوار معمولی ساکن» و «خانوار معمولی غیر ساکن» تقسیم می‌شوند. آن دسته از خانوارهای معمولی که در اقامتگاه ثابت (مکان‌های محل سکونت ساخته شده از مصالح ساخت و نیز چادر

ثابت، آلونک، کپر و ...) سکونت دارند، به عنوان خانوار معمولی ساکن و بقیه به عنوان خانوار معمولی غیر ساکن تلقی می‌شوند.

خانوار گروهی:

مجموعه افرادی که تمام یا اغلب آنان به دلیل دارا بودن شرایط خاص (به‌طور عمده داشتن ویژگی مشترک) اقامتگاه مشترکی را برای سکونت خود انتخاب کرده‌اند و به‌طور مشترک، امور زندگی در آن اقامتگاه را اداره می‌کنند، خانوار گروهی منظور شده‌اند، یادآور می‌شود در سرشماری‌های قبل از ۱۳۸۵، بر اساس تعریف، خانوارهای گروهی در مجموعه خانوارهای معمولی ساکن و نه جداگانه، مورد شمارش قرار گرفته‌اند.

واحد مسکونی معمولی: آن دسته از مکان‌های مسکونی که از مصالح سخت (آجر، آهن، سیمان، سنگ، چوب، خشت و ...) و به منظور سکونت ساخته شده است. مانند خانه‌های معمولی، آپارتمان‌ها و ... واحد مسکونی معمولی به شمار می‌آید.

اتاق: منظور از اتاق، فضای محصور و مسقفی است که حداقل ۴ مترمربع مساحت و ۲ متر ارتفاع داشته باشد. هال، آشپزخانه، انباری و ... مشروط به این که حداقل ۴ مترمربع مساحت و ۲ مترمربع ارتفاع داشته باشد، اتاق محسوب می‌شود. فضاهایی مانند گاراژ، حمام، توالت، آب‌انبار، طویله و کاهدانی، اتاق به شمار نمی‌آیند.

انواع نحوه تصرف محل سکونت

ملکی عرصه و اعیان (زمین و بنا): خانوارهایی که مالک زمین (عرصه) و بنای (اعیان) واحد مسکونی خود هستند، دارای نحوه تصرف ملکی عرصه و اعیان منظور می‌شوند.

خانوارهایی که در آپارتمان متعلق به خود زندگی می‌کنند نیز چون معمولاً در عرصه نیز سهیم هستند در این گروه قرار می‌گیرند.

ملکی اعیان (بنا): خانوارهایی که فقط مالک بنای سکونت خود بوده ولی صاحب زمین آن نیستند دارای نحوه تصرف ملکی اعیان می‌باشند، محل سکونتی که زمین آن وقفی است در این گروه قرار می‌گیرد.

اجاره‌ای: خانوارهایی که محل سکونت خود را اجاره کرده‌اند و اجاره‌بها پرداخت می‌کنند، دارای نحوه تصرف اجاره‌ای می‌باشند. اجاره‌بها ممکن است به صورت نقدی یا غیرنقدی باشد. همچنین ممکن است تصرف واحد مسکونی به صورت رهن یا به صورت رهن و اجاره صورت گرفته باشد.

در برابر خدمت: خانوارهایی که محل سکونت خود را در مقابل کار یک یا چند نفر از اعضای خانوار تصرف کرده‌اند، حتی اگر مبلغی هم به‌طور ماهانه می‌پردازند، نحوه تصرف محل سکونت آن‌ها، در برابر خدمت منظور می‌شود. خانه‌های سازمانی کارمندان دولت یا مؤسسات خصوصی، محل سکونت برخی از سرایداران و ... در این گروه قرار دارند.

رایگان: خانوارهایی که محل سکونت خود را به‌طور رایگان در اختیار دارند و برای استفاده از آن هیچ‌گونه پرداختی (نقدی یا غیر نقدی) ندارند، دارای نحوه تصرف رایگان می‌باشند. مانند خانوارهایی که محل سکونت خود را از طرف بنیادهای خیریه، نهادها یا خانوارهای دیگر و بدون پرداخت وجهی در اختیار گرفته‌اند.

امکانات و تسهیلات

در خصوص امکانات و تسهیلات واحد مسکونی می‌توان نکات زیر را در نظر گرفت. منظور از واحدهای مسکونی دارای برق، برقی است که در اختیار عموم باشد و مولدهای اختصاصی داخل منازل، مورد نظر نیست.

- منظور از واحدهای مسکونی دارای آب لوله‌کشی، این است که اولاً واحد مسکونی دارای لوله‌کشی آب باشد و ثانیاً آب موجود در لوله‌ها متصل به شبکه آب‌رسانی عمومی باشد.

- در مورد گاز لوله‌کشی، منظور این است که اولاً واحد مسکونی دارای لوله‌کشی گاز باشد و ثانیاً گاز موجود در لوله‌ها متصل به شبکه عمومی گازرسانی باشد.
- منظور از دستگاه حرارت مرکزی که شامل پکیج نیز می‌شود، سیستمی است که در آن گرما در محل معینی تولید و از آن‌جا به تمام نقاط واحد مسکونی منتقل می‌شود، مانند شوفاژ.
- منظور از دستگاه حرارت و برودت مرکزی، سیستمی است که در آن گرما و یا سرما در محل معینی تولید و از آن‌جا به تمام نقاط واحد مسکونی منتقل می‌شود، مانند فن‌کوئل یا سیستم‌های حرارت و برودت مرکزی جدید (پانل).

مهاجران طول عمر (جمعیت غیر بومی)

منظور مجموعه افرادی است که در زمان سرشماری در محلی غیر از تولد خود اقامت داشته‌اند. این افراد در طول زندگی خود حداقل یک‌بار دست به مهاجرت زده و نسبت به محل زندگی خود، غیر بومی منظور می‌شوند.

مهاجران دوره‌ای: به‌طور عام، مهاجرانی که در یک دوره‌ی زمانی مشخص مهاجرت می‌کنند، مهاجران دوره‌ای نامیده می‌شوند.

مهاجران تبعی: منظور آن دسته از مهاجرانی است که به پیروی از خانوار خود دست به مهاجرت زده‌اند و خود در این زمینه تصمیم‌گیرنده نبوده‌اند.

مهاجرت‌های داخلی: منظور مهاجرت‌هایی است که در چارچوب مرزهای سیاسی یک کشور اتفاق می‌افتند.

میزان مهاجرت روستا به شهر: این شاخص بر اساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{میزان مهاجرت روستا به شهر} = \frac{\text{تعداد مهاجران روستا به شهر طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵}}{\text{جمعیت روستایی در میانه دوره ۸۵-۱۳۷۵}}$$

جمعیت در سن فعالیت: جمعیت واقع در سنین ۱۵ تا ۶۴ سالگی، جمعیت واقع در سنین فعالیت می‌باشند.

تراکم جمعیت در اتاق: این شاخص از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{تراکم جمعیت در اتاق} = \frac{\text{جمعیت}}{\text{تعداد اتاق در اختیار خانوار}}$$

فصل دوم: پیشینه نظری و تجربی

ابعاد گسترده و پیچیدگی امر مهاجرت باعث شده تا محققان بی‌شماری مهاجرت را در حوزه‌های مختلف بررسی کنند. پدیده مهاجرت به دلیل بین رشته‌ای بودن، موضوع بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، اجتماعی و اقتصادی است. با توجه به این که تعاریف قراردادی مهاجرت، بیش‌تر مبتنی بر ابعاد زمانی و مکانی است، زمانی جابه‌جایی می‌تواند به عنوان مهاجرت تلقی شود که تغییری را در موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد حرکت‌کننده به وجود آورد (لوکاس و میر ۱۳۸۴: ۱۲۷-۱۲۶).

هانسن هم جزو کسانی است که نسبت به مهاجرت نظر مثبت دارد. او معتقد است که مهاجرت در حقیقت کمی ماجراجویی در بردارد، و ضمناً باعث ایجاد ارتباطات جدید اجتماعی می‌شود و در واقع، مهاجرت نشانه پیشرفت و زندگی است (خباز بهشتی ۱۳۸۰: ۶۵).

در شکل کلی، نظریات کلاسیک به نوعی مهاجرت را عقلایی و هدفدار می‌دانند و ماهیت تصمیم‌گیری‌های مهاجر را کاملاً عقلایی و از طریق موازنه هزینه‌ها و منافع فرض می‌کنند و معتقدند با این پیشینه، شخص پس از مهاجرت در مقصد می‌تواند به راحتی جذب یا در نظام ارزی مسلط حل شود (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۰۰).

بنابراین، بر اساس این دیدگاه برای مهاجران در مقصد امکان تحرک اجتماعی وجود دارد. جام ویکس^۱ هم با این فرض که افراد در طول زندگیشان هدف‌های مختلفی را دنبال می‌کنند، مهاجرت را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف تلقی می‌کند (ویکس ۱۳۸۵: ۲۷۸-۲۸۰). با توجه به این که دیدگاه‌های کلاسیک کارکردگرا هستند، بنابراین بر اساس یک تبیین کارکردی، مهاجرت مثبت و به عنوان برقرار کننده تعادل قلمداد می‌شود و به نوعی باعث ایجاد تحرک اجتماعی و ارتقای قشری- طبقاتی در پایگاه فرد می‌شود.

همان‌طور که مهاجران از نظر اجتماعی تغییراتی را می‌پذیرند، در بعد فرهنگی هم دچار تغییراتی در وضعیت اخلاقی و بینشی خود می‌شوند. شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین شیوه زندگی مهاجران و

¹John Robert weeks 1944

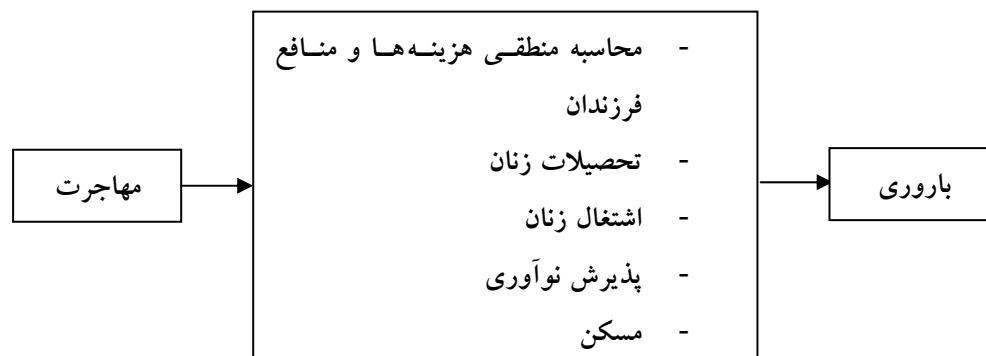
شهروندان، بررسی آثار اجتماعی را بسیار مشکل می‌کند (فیندلی، ۱۳۷۲: ۸۲)، اما سعی می‌شود تا بر اساس بعضی تفاوت‌های خاص بین دو شیوه زندگی، نتایجی حاصل شود که تغییرات وضعیت اجتماعی و نگرشی افراد را نمایان سازد.

برای بیان دیدگاه‌های مرتبط با تغییر وضعیت اخلاقی، دیدگاه کارکردی معتقد است دوگانگی‌های فرهنگی که در آغاز مهاجرت میان مهاجران و افراد بومی اتفاق می‌افتد، به تدریج تبدیل به یگانگی می‌شود، در واقع مهاجرت باعث ارضای نیازهای فردی می‌شود (تقوی، ۱۳۷۸: ۵۷-۵۵). با پذیرش علیت دو طرفه مکتب دیالکتیک می‌توان پذیرفت که محیط و شرایط اجتماعی حاکم بر آن، نه تنها در مبدأ می‌تواند عامل تغییر شود بلکه در مقصد هم تحت تأثیر شرایط محیطی می‌تواند به شکل انطباق با محیط اجتماعی و یا از خود بیگانگی فرهنگی نمود یابد. پیامدهای از خود بیگانگی می‌تواند به سطحی شدن روابط و بی‌تفاوتی افراد و احساس عدم تعلق آنان بینجامد و با روند تطابق با محیط، افراد از تغییرات و دگرگونی‌های شهری و پذیرش امور تازه و نواز تجدد و ترقی استقبال می‌کنند.

طی جریان فرهنگ‌پذیری، فرد عمیقاً و از جهات مختلف با فرهنگ جدید همانند می‌شود. این جریان برای کودکان و نوجوانان بسیار سهل و برای میانسالان و سالمندان تا اندازه‌ای مشکل است. در شرایط مهاجرت فرزندان مهاجر به سادگی خود را با فرهنگ و شرایط جدید تطبیق می‌دهند، در صورتی که هم‌نوا شدن بزرگ‌ترها و بالغ‌ترها به سختی انجام می‌گیرد و نیاز به مدت زمان بیشتری دارد (شیخی، ۱۳۶۹: ۱۳۹).

میزان استفاده از امکانات موجود برای عموم مردم در فضای عمومی جامعه تحت تأثیر موقعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ویژگی‌های روان‌شناختی فرد می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرار گیرد. از دیدگاه کارکردی همچنین مواردی را که دلالت بر امکانات رفاهی دارند، باید جزیی از فرآیند جامعه‌پذیری افراد به حساب آورد. فضای عمومی با ایجاد فرهنگ جدید که تناقضی با فرهنگ‌های متنوع افراد ندارد، به بالا بردن فرهنگ تفریح در جامعه منجر می‌شوند. فضای عمومی شرایط یکسان‌سازی دو گانگی‌های فرهنگی شهر را فراهم می‌کند.

آیزن و فیش باین^۱، نگرش را احساس عمومی شخص نسبت به مطلوب بودن یا نبودن یک مفهوم می‌دانند (آیزن و فیش باین، ۱۹۸۰). با در نظر گرفتن تغییرات نگرشی نسبت به کاهش باروری به عنوان یکی از پیامدهای مهاجرت، اس. اوبرای^۲ مطرح می‌کند که این وضعیت یا به دلیل گزینشی بودن آغاز این مهاجرت است یا به دلیل انطباق پس از مهاجرت (تأثیر محیط شهری بر رفتار باروری مهاجران) و یا علت، گسیختگی است (جابه‌جایی به خودی خود باروری را کاهش می‌دهد و علت آن به‌طور خلاصه جدایی همسران از یکدیگر، به تأخیر افتادن ازدواج و ایجاد فشارهای فیزیولوژی است که تولید نسل را پایین می‌آورد) (اوبرای، ۱۳۷۰: ۱۱۰).



نمودار ۱- نحوه تأثیر مهاجرت بر باروری

¹Hizen & Fishbein

² Oberai

نخستین نظریه رسمی را درباره مهاجرت اقتصاددان انگلیسی راون اشتاین^۱ در سال ۱۸۵۵ ارائه داد. وی مشاهدات خود را تحت عنوان قوانین مهاجرت به گونه‌ای طراحی نمود که در آن مؤلفه‌های فاصله، عوامل جاذبه و دافعه، جریان متقابل و ویژگی‌های مکانی و فضایی محل سکونت از عوامل مهم در مهاجرت تلقی می‌شدند. وی قواعدی بدین شرح برای مهاجرت مشخص کرده است:

۱- عوامل اقتصادی مهم‌ترین عامل برانگیزنده مهاجرت‌هاست، اگرچه عوامل اجتماعی و فرهنگی دیگری نیز مؤثر واقع می‌شوند.

۲- در اغلب موارد مهاجرت به صورت مرحله‌ای اتفاق می‌افتد یعنی مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ‌تر و قطب‌های صنعتی و خدماتی انجام می‌گیرد.

۳- علاوه بر جریان غالب مهاجرت از روستاها به نقاط شهری و از شهرهای کوچک به بزرگ، جریان وارونه‌ای (اگرچه ضعیف) از مهاجرت از شهرها به نقاط روستایی وجود دارد.

۴- رابطه مستقیمی بین ارتباطات و مهاجرت وجود دارد.

۵- شدت بین دو نقطه با فاصله آن دو، رابطه معکوس دارد (زنجان، ۱۳۸۰، ۱۳۱).

با وجود این در چهارچوب نظری قوانین حاکم بر علل مهاجرت‌های روستا-شهری در قرن نوزدهم، نظریه‌پردازانی چون دورکیم و هانری مندراس از دیگران برجسته‌ترند. دورکیم افزایش جمعیت را مهم‌ترین دلیل مهاجرت می‌داند و معتقد است که از قرن هفدهم به بعد پدیده مهاجرت به‌طور رسمی آغاز می‌شود، یعنی زمانی که جمعیت رو به تزاید می‌گذارد و بحث تقسیم کار در جوامع به شکل علمی مطرح می‌شود. هانری مندراس با بحث بر روی دلایل مهاجرت‌های روستا-شهری معتقد است که جامعه روستایی در مقایسه خود با جوامع شهری به نوعی جاماندگی و پس ماندگی پی می‌برد و این امر محرکی در رساندن خود به قافله تمدن می‌شود. او می‌گوید: نفوذ تمدن شهری در جامعه روستایی موجب مهاجرت است و مهاجرت واکنشی در جهت تعادل این

¹Ravenstien